

مدیریت مالی خانواده و کیفیت رابطه زوجین (مقاله کوتاه)

محمد نظری پور^۱

استادیار حسابداری، دانشگاه کردستان

دریافت: ۹۲/۱/۵

پذیرش: ۹۲/۷/۱۴

چکیده

مقدمه: مدیریت مالی خانواده یکی از مهمترین عامل‌های تعیین کننده پویایی و کیفیت رابطه زناشویی و همچنین یکی از ابعاد عملکرد خانواده است که می‌تواند نقش مهمی در ثبات و تداوم رابطه زناشویی ایفاء نماید.

روش: طرح تحقیق توصیفی و کیفی بود که در آن رویه‌های مدیریت مالی ۲۵ زوج سنندجی که معتقد بودند دارای ازدواج موفق و پایدار هستند به شیوه هدفمند انتخاب شدند و به روش کیفی و کدگذاری باز و مقوله‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش عبارت بودند از: الف- در بیشتر موارد یکی از زوجین عهده‌دار مدیریت امور مالی خانواده بود که این مقوله نیازمند اعتماد و تعامل سازنده بین طرفین می‌باشد. ب- زوجین شرکت‌کننده در این پژوهش دارای بدهی حداقلی بودند و در ضمن تلاش داشتند تا بدهی‌هایشان را در اسرع وقت تسویه نمایند. ج- مخارج مشارکت‌کنندگان در پژوهش در چارچوب درآمدهایشان بوده و همچنین آنان افرادی صرفه‌جو بودند. د: نحوه عمل زوجین در داشتن حساب بانکی مشترک و یا مستقل از جمله موضوعات مهم مورد توجه زوجین بود. ه: نحوه تعامل زوجین در حل مشکلات مالی بخشی از پویایی‌های رابطه زوجی بود.

1. mnazaripour@yahoo.com

و ی: دیدگاه‌شان نسبت به مشکلات مالی سایر زوجین بخشی از پویایی‌های شناختی آنها بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مسائل مالی نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت روابط زوجی دارد و بخش عمده‌ای از پویایی‌های رابطه زناشویی را به خود اختصاص می‌دهد. زوجینی که دارای یک زندگی موفق و پایدار هستند، به راحتی می‌توانند با همفکری و همکاری یکدیگر مشکلات مالی به وجود آمده را حل نمایند.

واژگان کلیدی: مدیریت مالی، خانواده، کیفیت رابطه زوجین.

مقدمه

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استفاده از دارائی‌ها^۱ در امر ازدواج می‌تواند باعث رضایتمندی و یا انحلال زندگی زناشویی شود. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که بین متاهل شدن و ثروت رابطه مثبتی وجود دارد (ساندرز و پرترفیلد^۲، ۲۰۱۰). نتایج پژوهش داو^۳ (۲۰۰۹)، نشان داد که دارائی‌های زوجین رابطه مثبتی با رضایتمندی زنان دارد. همچنین طبق یافته‌های این پژوهش در صورت وجود دارائی مشترک، زنان به روابط زناشویی متعهدتر بوده و کمتر به طلاق به عنوان یک راه فرار از مشکلات نگاه می‌کنند. هرچند این حالت در مورد مردان مصداق ندارد. به اعتقاد دوو (۲۰۰۸) زنان علاقمند به نشان دادن وابستگی اقتصادی به شوهران خود نبوده اما در عوض بخاطر داشتن دارائیهای زناشویی از ازدواج خود راضی بودند. زیرا ممکن است این دارائیه‌ها انتظارات اقتصادی آنها از ازدواج را برآورده نماید.

از طریق مطالعه و تبیین نحوه مدیریت مالی^۴ زوج‌های موفق، می‌توان گام‌های سازنده‌ای در توسعه دانش مالی خانواده‌ها برداشت. پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که موضوعات مالی ارتباط مستقیمی با شادمانی زناشویی^۵ دارد. بسیاری از این پژوهش‌ها دارای نواقص جدی بوده و عمدتاً بر مشکلاتی که ممکن است به واسطه مدیریت مالی نادرست برای افراد، زوج‌ها و خانواده‌ها ایجاد شوند، تمرکز دارند (دوو^۶، ۲۰۰۸؛ گرافووا^۷، ۲۰۰۷؛ گودمانسون، بیوتلر، مک کوی و هیل^۸، ۲۰۰۷). در مقابل، این پژوهش ضمن پوشش نقاط ضعف پژوهش‌های قبلی تلاش دارد تا دارای نقاط قوتی نیز باشد. بدین معنی که این پژوهش تلاش خواهد نمود تا ابعاد مختلف مدیریت مالی زوج‌های موفق را بدقت مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

-
1. Assets
 2. Sanders & Porterfield
 3. Daw
 4. Financial Management
 5. Marital Happiness
 6. Dew
 7. Grafova
 8. GudMunson, Beautler, McCoy and Hill

ویژگی‌های یک زوج موفق از دیدگاه خانواده درمانگران به صورت ذیل می‌باشد (رفاهی، ۱۳۸۷).

- توجه جدی به روابط فی‌مابین. در صورت بی‌توجهی به روابط فی‌مابین، بذر انهدام روابط کاشته شده و بنای خانواده روبه نابودی خواهد گذاشت.

- تلاش برای برآورده نمودن نیازهای یکدیگر. زوجین موفق منتظر درخواست شریک خود نبوده بلکه مجدداً تلاش می‌نمایند تا نیازهای طرف مقابل را پیش بینی و برآورده نمایند.

- انعطاف پذیری در روابط فی‌مابین. برآورده نمودن نیازها و کسب رضایت همسر مستلزم انعطاف پذیری و گذشت می‌باشد. از این طریق می‌توان به رشدی که باعث تغییر خواسته‌ها می‌شود، دست یافت.

- قایل شدن ارزش برای یکدیگر. زوج موفق معمولاً به دنبال شریکی است که بتواند توانایی‌ها و صلاحیت‌های فردی او را ارتقاء بخشد.

- عشق ورزی به یکدیگر و نه به آرمان‌های هم. زوج‌های موفق یکدیگر را برای آنچه که هستند دوست دارند، نه برای آنچه که خواهند بود. فرد آرمانی تنها در ذهن جای داشته و لذا دوام عشق آرمانی کوتاه مدت خواهد بود.

- تحمل چیزهایی که تغییر آنها براحتی ممکن نیست. تغییر برخی از ویژگیهای همسر مانند قد، سن، رنگ پوست و غیره غیرممکن بوده و لذا کنار آمدن با آنها ضروری به نظر می‌رسد.

- صریح و رگ بودن با یکدیگر. کتمان خطاها و اشتباهات می‌تواند باعث انهدام روابط زناشویی شود. بنابراین، صداقت در افشاء و پذیرش خطاها و اشتباهات می‌تواند باعث گرمی روابط زناشویی شود.

- مشارکت در شادی‌ها و غم‌های یکدیگر. زوجین موفق منتظر لحظات شادی بخش نبوده، بلکه خود آن را ایجاد می‌نمایند. همچنین آنها می‌دانند مسیر زندگی توأم با مشکلات بوده و همدلی لازمه حل مشکلات به وجود آمده می‌باشد.

• رفتار احترام آمیز با یکدیگر. زوج‌های موفق رفتاری را در قبال هم در پیش می‌گیرند که مایلند با آنان نیز به همان گونه رفتار شود.

تاکنون پژوهش‌های محدودی در زمینه نحوه‌ی ایجاد یک زندگی موفق و مستحکم از دیدگاه زوجینی که دارای مدیریت قوی در ارتباط با مسائل مالی هستند، به عمل آمده است. در این زمینه تنها می‌توان پژوهش والرش‌تاین و بلاکسلی^۹ (۱۹۹۵) که مربوط به زوج‌های تحصیل‌کرده^{۱۰} و طبقه متوسط^{۱۱} از ایالت‌های برکلی و کالیفرنیا آمریکا بود، اشاره نمود. نتایج این پژوهش نشان داد که زوج‌های موفق علاوه بر احساس احترام متقابل و اعتماد به نفس بالا، در کنار یکدیگر بودن را نیز دوست داشتند. گرچه زوج‌ها دارای سبک‌های مختلفی در زمینه مدیریت امور مالی خود بودند، اما هر دوی آنها معتقد بودند که مشارکت آنها در انجام هر کاری می‌تواند در خوشبختی زناشویی آنان تأثیرگذار باشد. در پژوهش شواتز^{۱۲} (۱۹۹۴) زوج‌های شش شهر بزرگ آمریکا که معتقد به بکارگیری انصاف و برابری در زندگی خود بودند، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. در این پژوهش، شاخصه‌های یک زندگی موفق عبارت بودند از: مشارکت زوجین در تصمیم‌گیری‌ها^{۱۳}، مسئولیت‌ها^{۱۴}، کارهای منزل^{۱۵} و همچنین عدالت مالی^{۱۶} (یعنی عدم احساس استقلال اقتصادی زوجین نسبت به یکدیگر).

این پژوهش براساس یک چشم‌انداز کامل^{۱۷} و نه یک چشم‌انداز ناقص^{۱۸} از خانواده انجام شده است. عمده کارهای انجام شده در زمینه چشم‌انداز کامل مربوط به دیفرین و اسی^{۱۹}،

-
9. Wallerstein and Blakeslee
 10. Well.Educated
 11. Middle.Class
 12. Schwartz
 13. Decision Making
 14. Responsibility
 15. Household Labor
 16. Financial Equity
 17. Strengths Perspective
 18. Deficit Perspective
 19. Dfrain and Asay

(۲۰۰۷)؛ دیفرین و استینت، (۲۰۰۲) و استینت و همکاران^{۲۰}، (۱۹۸۱) می‌باشد. این چشم انداز در مورد روابط موفق زوجها و خانواده‌ها و نه آرامش روانی افراد می‌باشد. استفاده از این چارچوب در مطالعات باعث می‌شود تا علاوه بر تمرکز بر دلایل موفقیت زوجها مبنائی نیز برای پیشرفت هرچه بیشتر زوجها و افرادی که قصد الگوبرداری از این زوجها را دارند، ارائه نمود. این پژوهش در مورد زوجهایی که دارای زندگی موفق مخصوصاً در زمینه مدیریت مالی هستند، می‌باشد.

پژوهش‌های کمی در مورد نحوه مدیریت مالی زوجها- مخصوصاً آنهایی که از دانش مدیریت مالی کافی برخوردار نیستند- صورت گرفته است. این پژوهش تلاش می‌نماید تا از طریق تحلیل و بررسی تکنیک‌های مدیریت مالی مورد استفاده زوجها موفق به ارتقاء ادبیات موضوع کمک نماید. نتایج حاصله از این پژوهش ممکن است برای زوج‌هایی که خواهان به کارگیری تکنیک‌های مالی مؤثر جهت ارتقاء کیفیت زندگی خود هستند، مفید واقع شود. این پژوهش از طریق تمرکز بر زندگی زوجها موفق (با سنین و سطوح درآمدی مختلف) که دارای برنامه‌های مدون در زمینه مدیریت مالی خانواده خود می‌باشند، اقدام به ترمیم شکاف موجود در زمینه ادبیات موضوع خواهد نمود.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: برای انجام این پژوهش از طرح کیفی زمینه‌ای بر مبنای چشم‌انداز کامل نسبت به خانواده استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین شهر سنندج که دارای فرزند دبستانی کلاس پنجم اند، بود.

جهت انتخاب نمونه‌ی پژوهش، محقق از طریق نواحی آموزش و پرورش اقدام کرد. شیوه کار به این صورت بود که در هر ناحیه به‌طور تصادفی ۴ مدرسه ابتدائی متناسب با نواحی جغرافیایی مختلف شهر سنندج انتخاب شد و سپس با هماهنگی مدیر دبستان و مطالعه پرونده

20. Stinnett et al.

بهداشت، دانش آموزان کلاس پنجم انتخاب شدند، البته جهت همسان سازی آزمودنیها طول ازدواج والدین تقریباً یکسان در نظر گرفته شد که مدت طول ازدواج آنها حداکثر ۱۵ سال بود. طول دوره ازدواج می تواند به عنوان یک عامل موثر در کسب تجربه و هماهنگی هرچه بیشتر در امور مالی خانواده ها به حساب آید. سپس از طریق پرسشگران برای ۱۵۰ زوج پرسشنامه ارسال شد که ۱۲۰ پرسشنامه عودت داده شد. پس از دریافت پرسشنامه ها، بخش موفقیت زوجین پرسشنامه ها توسط مشاور خانواده بررسی شد و از بین آنها ۲۵ زوج موفق از لحاظ ملاک های ازدواج موفق تشخیص داده شد. در نهایت، بخش مدیریت مالی پرسشنامه متناسب با ملاک های مدیریت مالی موفق (مانند پیش بینی هزینه ها، کنترل هزینه ها، شناسایی مغایرت فی مابین هزینه های پیش بینی شده و واقعی و ریشه یابی مغایرت های شناسایی شده) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

به لحاظ رعایت اصول اخلاقی، قرار بود در پرسشنامه ها مشخصات شخصی داوطلبان ذکر نشود، لذا اطلاعات چندانی نسبت به این موضوع که پرسشنامه های برگشتی متعلق به کدام زوج می باشد، وجود ندارد.

بیشتر مشارکت کنندگان در پژوهش کرد بودند. ۳۵٪ از زنان دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و لیسانس و ۲۱٪ نیز دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس بودند. ۴۵٪ از مردان دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و لیسانس و ۲۵٪ نیز دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس بودند. ۲۸٪ از زنان و ۶۵٪ از مردان شاغل بودند. دامنه تغییرات درآمدی زوجین ۹۵۰/۰۰۰ تا ۱۱/۰۰۰/۰۰۰ تومان با میانگین ۴/۵۰۰/۰۰۰ تومان در ماه بود.

ابزار: داده های مورد نیاز پژوهش از طریق پرسشنامه ی باز^{۱۱} جمع آوری شد. داده های مورد نیاز از طریق یک پرسشنامه پنج صفحه ای ارسال شده به داوطلبان جمع آوری شد. پرسشنامه شامل ۲۲ عبارت بود که به سه بخش تقسیم می شد. بخش اول شامل اطلاعات جمعیت شناختی، بخش دوم شامل عبارات کیفی پرسشنامه (سئوالات باز) و بخش سوم شامل بررسی استحکام

زناشویی (موفقیت زوجین) بصورت کمی بود. اطلاعات جمعیت شناختی برای تشریح ویژگی‌های نمونه آماری مورد استفاده قرار گرفت. این بخش شامل سوالاتی در مورد سن، مدک تحصیلی، درآمد خانواده و سنوات زندگی مشترک زوجین بود. بخش دوم (بخش کیفی) طولانی‌ترین بخش بوده که از طریق ۱۳ سوال باز دلایل موفقیت زوجین نسبت به داشتن یک ازدواج موفق و پایدار (به لحاظ مالی) را جمع آوری می‌نماید. برای مثال یک سوال در مورد حد بالا و پایین ازدواج (اوقات خوش و اوقات تلخ) زوجین بود. گاهی اوقات نیز داوطلبان در پاسخ به این سوال مطالبی را در مورد مشکلات مالی خود ذکر می‌کردند. بطور خاص یک سوال در ارتباط با موضوعات مالی (به شرح زیر) بود: «در مورد پول بگوئید. یکی از متداولترین اختلافات زناشویی اختلافات پولی است. مدیریت شما در ارتباط با مسائل پولی چگونه است؟ عکس‌العمل شما در ارتباط بدهی چگونه است؟ چه نوع مشکلاتی در زمینه مسائل پولی دارید؟ چگونه این مشکلات را برطرف می‌نمائید؟» پرسشنامه بگونه‌ای طراحی شده بود که زوجین می‌توانستند براحتی در مورد ویژگیهای ازدواج موفق و پایدار خود - مخصوصاً موفقیت‌هایشان در زمینه مدیریت مالی زندگی خود - مطالبی را بیان نمایند. در قسمت راهنمای تکمیل پرسشنامه از زوجین خواسته شد تا پرسشنامه‌ها را بدون مشورت با یکدیگر و به تنهایی تکمیل نمایند. در بخش سوم پرسشنامه از هر کدام از زوجین خواسته شد تا ارزیابی‌شان از کیفیت روابط زناشویی خود را بیان نمایند. هر کدام از زوجین نمره‌هایی را از یک تا پنج به هر کدام از موارد مرتبط با روابط زناشویی خود که بشرح زیر بود، دادند. الف- تا چه اندازه در روابط زناشویی خود با شریکتان احساس صمیمت می‌نمائید؟ ب- تا چه اندازه در روابط زناشویی خود با شریکتان احساس رضایتمندی می‌نمائید؟ ج- تا چه اندازه در روابط زناشویی خود با شریکتان احساس خوشبختی می‌نمائید؟ د- تا چه اندازه احساس می‌نمائید که روابط زناشویی شما از استحکام لازم برخوردار است؟ میانگین پاسخ‌های ارائه شده از سوی هر کدام از زوجین به هر کدام از سوالات فوق‌الذکر در دامنه ۴/۸ تا ۴/۹ از ۵ قرار داشت. ارزیابی مثبت فوق می‌تواند بیانگر یک نوع حمایت تکمیلی از این واقعیت که زوجین دارای یک زندگی

موفق و پایدار هستند، باشد. لازم به یاد آوری است جهت تأیید روایی پرسشنامه با چند متخصص مشاوره خانواده و مدیریت مالی مشورت شد و روایی صوری و محتوایی مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش پیشنهادی بگدان و بیکلن^{۲۲} (۲۰۰۳) انجام شد. در این روش محقق برای هر بخش از پرسش اصلی پژوهش (زوجین موفق چگونه نقدینگی خود را مدیریت می‌نمایند؟) کدهایی را اختصاص می‌دهد. براساس پیشنهاد بگدان و بیکلن محقق وقت زیادی را بر روی داده‌ها از طریق خواندن چندین باره ۲۵ پرسشنامه دریافتی با هدف درک کلیت داده‌ها صرف نمود. سپس محقق پاسخ‌های مرتبط با تامین مالی را شناسایی و استخراج نمود که در نهایت مبنای داده‌ای این پژوهش قرار گرفت. سپس محقق براساس الگوها و مقررات مستخرجه از پرسشنامه‌ها اقدام به تدوین کدهایی نمود. یافته‌های این پژوهش بیانگر کدهایی است که به طور مکرر از سوی داوطلبان بیان شده و همچنین نقل قول‌های مورد استفاده در این پژوهش نشأت گرفته از اعداد اختصاص یافته به هر داوطلب و بیانگر تعلق نقل قول‌ها به مردان و یا زنان مشارکت کننده در پژوهش می‌باشد. ابتدای با کدگذاری باز، مفهوم سازی اولیه محتوای پاسخ‌ها انجام گرفت. سپس با کدگذاری محوری ادغام کدهای باز و استخراج درونمایه‌ها و مقوله‌ها به شیوه تناوب محتوا و فرایند صورت گرفت.

۱- یافته‌های مالی: سه موضوع اصلی علاوه بر سایر یافته‌ها از داده‌ها استخراج شد. الف- به طور خاص فقط یکی از زوجین عهده‌ار مسائل مالی خانواده بود. زوجین به اهمیت اعتماد بکدیگر واقف بوده و درباره مسائل مالی ارتباطات سازنده‌ای با یکدیگر داشتند. ب- زوجین بدون بدهی و یا دارای بدهی کمی بودند. ج- هزینه‌های زوجین در حدود درآمدهایشان و لذا صرفه‌جو تلقی می‌شدند. سایر یافته‌های پژوهش عبارت بودند از: دیدگاه زوجین نسبت به

داشتن حساب بانکی مشترک و یا جداگانه، نحوه تعامل در مورد مشکلات مالی و استنباط آنها از مشکلات مالی زوجین دیگر. در این پژوهش مردان و زنان مورد پژوهش ۲۵ زوج بودند. از ۱ تا ۲۵ شماره گذاری شدند.

۲- یافته‌های مدیریت یک زوج بر امورات مالی: اکثریت زوجین مورد تحقیق (۱۸ مورد از ۲۵ مورد) اعلام نمودند که یکی از آنها مدیریت روزانه مسائل مالی را عهده‌دار بوده که این به نوبه خود مستلزم اعتماد و تعامل طرفین می‌باشد. مدیریت روزانه مسائل مالی شامل مواردی همچون: پرداخت صورتحساب‌ها، انجام و نظارت بر هزینه‌ها، تهیه و استفاده از بودجه می‌باشد. زوجین دلایل متعددی را برای اتخاذ این شیوه از مدیریت بیان نمودند. برخی از زوجین معتقد بودند که یکی از آنها در مسائل مالی از تجربه و تخصص بیشتری برخوردار می‌باشد. یکی از شوهران (شماره ۱۷) بیان نمود که: «به واسطه تخصص در امور مالی، مدیریت مسائل مالی بر عهده من می‌باشد. ما در زندگی خود به لحاظ مالی هم دوران خوب و هم دوران سخت داشته‌ایم. مدیریت مسائل مالی همیشه برعهده من بوده، اما تلاش نموده‌ام همسر را از مسائل مالی مطلع نگه دارم. اگر ما نیازمند کاهش هزینه باشیم، به راحتی موضوع را برای همسر بیان نموده و نحوه مشارکت او را نیز متذکر می‌شوم که او نیز پیشنهاد من را می‌پذیرد.» برای برخی از زوجین زمان عامل مهمی در پذیرش مسئولیت امور مالی خانواده می‌باشد. گاهی اوقات این وظیفه صرفاً براساس داشتن وقت آزاد بیشتر به یکی از زوجین محول می‌شود. یکی از شوهران (شماره ۱) بیان می‌دارد که: «برای چندین سال بود که همسر عهده‌دار مسائل مالی خانواده بود. اما حالا بدلیل داشتن وقت آزاد بیشتر، من عهده‌دار این مسئولیت هستم. در زندگی ما داشتن وقت آزاد بیشتر، توانایی انجام بهتر و علاقمندی نقش مهمی در پذیرش یک مسئولیت را ایفاء می‌نماید. البته لازم به ذکر است که همسر به خوبی از عهده کارها بر می‌آید.» در مورد سایر زوجین، به خاطر لذتی که یکی از زوجین از انجام وظایف مالی می‌برد، عهده‌دار این مسئولیت می‌باشد. یکی از زنان (شماره ۱۶) اشاره می‌کند که دخل و خرج و پرداخت صورتحساب‌ها با وی است، زیرا او از انجام این کار لذت می‌برد. یکی از شوهران (شماره ۲۲) می‌گوید: «همسر

از انجام امور مالی خانواده لذت می‌برد. هر چند من از زمان ازدواج‌مان عهده‌دار مسئولیت امور مالی یکی از شرکتهای بزرگ هستم، اما از نحوه مدیریت مالی همسر در مسائل خانواده لذت می‌برم. من هر روز با بودجه‌های میلیاردی سروکار دارم، اما از نحوه برنامه‌ریزی همسر در زمینه امور مالی خانواده شوق می‌کنم. به‌زودی ما بازنشست شده و امیدوارم دوران خیلی خوبی را که در اوائل ازدواج‌مان نداشتیم، داشته باشیم.» پذیرش مسئولیت امور مالی خانواده توسط هر کدام از زوجین تفاوت چندانی در ماهیت کار ایجاد نمی‌نماید. در پژوهش حاضر مشخص شد که ۱۲ نفر از زنان و ۷ نفر از شوهران عهده‌دار مسئولیت امور مالی خانواده‌هایشان بوده‌اند. همانگونه که قبلاً اشاره شد، عواملی همچون: وقت آزاد، تخصص و تمایل تاثیر زیادی در پذیرش مسئولیت امور مالی خانواده‌ها از سوی هر کدام از زوجین دارند.

۳- یافته‌های اعتماد متقابل زوجین: از دید داوطلبان اعتماد به یکدیگر در مسائل مالی خانواده، لازمه تداوم هر زندگی می‌باشد. به عبارت دیگر، برقراری اعتماد بین زوجی که عهده‌دار انجام مسئولیت امور مالی خانواده و زوج دیگر که مسئولیتی در این زمینه ندارد، از اولویت‌های اساسی هر خانواده‌ای بحساب می‌آید. یکی از زنان (شماره ۸) می‌گوید «من در زندگی به همسر اعتماد دارم و معتقدم که او نیز چنین است. بواسطه اعتماد شوهرم به من، از زمان ازدواج‌مان او به من این اجازه را داده است تا مدیریت امور مالی خانواده بر عهده من باشد.» یکی از زنان (شماره ۵) در پاسخ به این سوال که شرایط لازم برای داشتن یک ازدواج موفق و پایدار چیست، گفت: «اجازه دهید تا یکی از زوجین عهده‌دار مسئولیت امور مالی خانواده باشد. اما باید همیشه شریک مقابل نیز در جریان تمام امور قرار گیرد. اعتماد قابل جایگزین با هیچ چیز دیگر نیست.» طبق نظرات پرسش‌شوندگان، اعتماد باید حاصل شود. یکی از زنان می‌گوید که او از کار کردن با ارقام مانند بودجه‌بندی، دریافت و پرداخت از حساب جاری و مدیریت وجوه نقد لذت می‌برد. شوهر او همه‌ی کارهای مالی را به او سپرده است. اما او همچنین گفت: «در سال اول ازدواج‌مان، من تقریباً در مورد صورتحساب‌ها و موارد مشابه با ابهاماتی روبرو بودم. زیرا همسر قبلی شوهرم در مدیریت وجوه نقد با مشکلات جدی روبرو بوده است. به

محض اینکه شوهرم دریافت که می‌تواند به من اعتماد کند، او شروع به اعتماد کردن نسبت به من نمود.»

۴- یافته‌های تعاملات فی‌مابین زوجین: علاوه بر اعتماد، زوجین در مورد اهمیت تعاملات فی‌مابین در ارتباط با موضوعات مالی نیز صحبت نمودند. برخی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که مطلع نگه داشتن زوجی که عهده‌دار مسئولیت مسائل مالی خانواده نیست از سوی زوجی که عهده‌دار این مسئولیت است، بسیار مهم است. یکی از زنان (شماره ۲۵) می‌گوید: «من احساس می‌کنم که شیوه برقراری تعامل با یکدیگر نسبت به اوائل ازدواج‌مان خیلی بهتر شده است. ما عموماً نسبت به یکدیگر ذهنیت مثبت داریم. وقتی مشکلی (جدلی) در زندگی پیش می‌آید ما سعی می‌کنیم از طریق گفتگو سوء تفاهم‌ها را کاسته تا به یک توافق پایداری برسیم. ما در تنظیم بودجه خانواده همکاری فعالانه‌ای با یکدیگر داشته و در مورد نحوه مصرف پول‌مان تبادل نظر می‌نمائیم.»

بسیاری از زوجین بیان نمودند که بحث در مورد خریدهای بزرگ برایشان بسیار مهم است حتی اگر یکی از زوجین عهده‌دار مسئولیت امور مالی خانواده باشند. یکی از شوهران (شماره ۱۶) قاعده کلی خانواده خود در زمینه خریدهای بزرگ را این چنین بیان می‌دارد: «در مورد خریدهای بیشتر از ۲۰۰/۰۰۰ تومان جلب رضایت هر دو زوج شرط اصلی انجام چنین خریدی می‌باشد.» یکی دیگر از شوهران (شماره ۱۴) گفت: «اگر یک خرید بزرگ برای خانواده ضرورت پیدا کند، ما در مورد آن با هم تبادل نظر نموده و تصمیم می‌گیریم که به چه چیزی و با چه مبلغی نیاز داریم.» برخی از زوجین در باره نحوه خرج پول توسط هر زوج مطالبی را بیان نمودند و گفتند که از دید آنان پذیرش مسئولیت امور مالی خانواده توسط هر کدام از زوجین مهم نبوده بلکه برای خرج پول برقراری تعامل سازنده بین آنها ضروری است. یکی از زنان (شماره ۹) گفت: «ما حالا وجوه نقد را از طریق تبیین کامل وضعیت مالی خانواده مدیریت می‌نمائیم. ما از یک دسته چک استفاده نموده و هر دو می‌توانیم چک بکشیم. هر دو به یکدیگر اعتماد داشته و اقدام به هزینه نمودن مبالغ بزرگ بدون بحث در باره آن نمی‌نمائیم.»

۵- یافته‌های بدهی کم و یا هیچ: بیش از نصف زوجین (۱۶ مورد از ۲۵ مورد) اظهار نمودند که بدهی کمی داشته و در تلاش دارند تا آنرا در زمان کوتاهی پرداخت نمایند. یکی از زنان (شماره ۲۱) گفت: «ما هرگز اقدام به خرید خودرو نمی‌کنیم مگر اینکه بیش از ۷۰٪ مبلغ آنرا داشته باشیم. این مورد در باره لوازم خانگی و مبلمان نیز مصداق دارد. ما عمدتاً نیازهای روزمره زندگی خود را بصورت نقدی خرید می‌نمائیم.» یکی دیگر از زنان (شماره ۱۳) گفت: «ما تا حد ممکن تلاش می‌نمائیم وام‌های خود را زودتر از موعد مقرر و صورتحساب‌ها را بطور کامل در آخر هر ماه پرداخت نمائیم. ما حتی خودرو را به طور نقدی خریداری می‌نمائیم.» برخی از زوجین زندگی خود را با فلسفه بدون بدهی شروع و برخی دیگر نیز در طول زمان به این فلسفه اعتقاد و اعتماد پیدا نمودند. در پاسخ به این سوال که چگونه می‌توانید به بهترین نحو ممکن موفقیت‌های بالقوه ازدواج‌تان را ذکر کنید یکی از زنان (شماره ۶) گفت: «موفقیت حاصل تعامل هر دوی ما در ارتباط با یک هدف مشترک می‌باشد. برای مثال یکی از این اهداف پس‌انداز بود که نتیجه آن نداشتن بدهی در حال حاضر است.» فلسفه نداشتن بدهی و یا بدهی حداقلی یکی از ارکان مهم زندگی زوجینی که دارای ازدواج موفق و پایدار هستند، می‌باشد. یکی از زنان (شماره ۷) در مورد توافق‌شان در مورد پول و تصمیم‌شان در مورد عدم خرید نسبه صحبت نمود. به اعتقاد وی این موضوع باعث شد تا آنها در مراحل بعدی زندگی‌شان نگرانی‌های کمی در مورد پول (بدهی) داشته باشند. از پاسخ‌های داوطلبان می‌توان دریافت که فلسفه نداشتن بدهی برای اکثر آنها یک اصل مهم به حساب می‌آید. به اعتقاد یکی از شوهران (شماره ۴) زوجینی که قصد تشکیل و تداوم یک زندگی موفق و پایدار را دارند باید حتی‌الامکان از خریدهای نسبه خودداری نمایند.

۶- یافته‌های عدم تجاوز هزینه‌ها از درآمدها: بسیاری از زوجین (۱۹ مورد از ۲۵) گفتند که آنها چیزهایی را که قیمت‌شان بیش از توان مالی‌شان باشد، خریداری نمی‌کنند. بعبارت دیگر آنها در حد درآمدهای خود هزینه می‌نمایند. یکی از زنان (شماره ۳) گفت: «هر دوی ما با صرفه‌جویترین و محافظه‌کارترین افرادی هستیم که شما می‌توانید سراغ داشته باشید.

درآمدزایی (کسب پول) سخت است، بنابراین ما واقعاً با یکدیگر در مورد موضوعاتی مثل پس‌انداز، خرج و استفاده از توانائی‌های یکدیگر همفکری می‌نمائیم. ما این روزها بواسطه صرفه‌جویی در هزینه‌ها هر کاری که از عهده خودمان برآید، انجام می‌دهیم. اولویت اصلی ما در سالهای اخیر پس‌انداز با هدف تهیه مسکن می‌باشد. ما خرید نسبه نداریم.» یکی از شوهران (شماره ۲۰) در مورد مدیریت وی و همسرش در زمینه صرفه‌جویی در مخارج در طی سالهای زندگی مشترکشان صحبت نمود. او گفت آنها توافق نمودند که همسرش در منزل مانده و عهده‌دار مراقبت و تربیت بچه‌ها شود. لذا او مجبور بود سخت کار کند تا بتواند هزینه‌های زندگی را پوشش دهد. همچنین او گفت: «تأمین مالی زندگی ما همیشه با چالش مواجه بوده زیرا در طی سال‌های رشد و نمو فرزندان تنها منبع درآمدی خانواده حقوق من بود. اما هر کدام از ما راه‌هایی برای صرفه‌جویی یافتیم. برای مثال همسرم تلاش می‌نمود مواد غذایی مورد نیاز خانواده را از فروشگاه‌های ارزان قیمت، پوشاک و هدایای ویژه مناسب‌ها را از طریق مقایسه قیمت‌های مغازه‌های مختلف خریداری نماید. من نیز تا حد امکان کارهای مرتبط با خودرو شخصی (مانند تعمیرات جزئی، تعویض روغن و غیره) و تعمیرات منزل مسکونی (مانند رنگ زدن در و دیدارها، تعمیرات لوازم خانگی و غیره) را خودم انجام می‌دادم. اقدامات فوق باعث صرفه‌جویی مبالغ قابل توجهی برای خانواده ما شد. همچنین در مسافرت‌ها تلاش می‌نمودیم از چادر بجای هتل استفاده نمائیم. در کل، ما مخارج خانواده را بخوبی مدیریت نموده و از اینکه یک مصرف‌کننده فهمیده و صرفه‌جو هستیم بر خود می‌بالیم. تنگنای مالی فوق باعث شد که ما یاد بگیریم که در چارچوب درآمد خانواده خرج نموده، بدون اینکه سبک زندگی مان دچار تغییرات زیادی شود.»

۷- یافته‌های حساب‌های بانکی مستقل یا مشترک: نتایج پژوهش نشان داد که اصرار خاصی به داشتن حساب بانکی مستقل و یا مشترک در بین اکثر زوجین مشاهده نشد. بهر حال زوجینی نیز وجود داشتند که تمایل زیادی به اتخاذ یک شیوه خاص (حساب مستقل یا حساب مشترک) داشتند. یکی از شوهران (شماره ۲۳) گفت: داشتن حساب بانکی مستقل اصلاً مهم

نبوده به طوری که در زندگی زناشویی من و همسر، پول من و تو نداریم. یکی دیگر از شوهران (شماره ۱۹) گفت: «ما دارای حسابهای بانکی جداگانه بوده و این شیوه را از زمانی بکار گرفتیم که دریافتیم کشیدن چک توسط دو شخص از یک حساب بانکی از کارآیی لازم برخوردار نیست. همسر تمام صورتحسابهای خانواده را از حساب بانکی خود و من نیز تمام هزینه‌های مرتبط با فعالیت اقتصادی خانواده را از حساب بانکی خودم پرداخت می‌نمایم.»

۸- یافته‌های چالش‌های مالی: هرچند مشارکت کنندگان در این پژوهش عموماً در زمان تحقیق دارای هیچ بدهی یا بدهی کم و یا مخارجشان در حد درآمدهایشان بود، اما بسیاری از آنان چالش‌های مالی را در گذشته تجربه نموده بودند. به لحاظ شدت، چالش‌ها از کم تا زیاد قرار داشت. یکی از زوجین (شماره ۱۴) اخیراً ۲۵۰ میلیون تومان ضرر کرده است. بهرحال شوهر این خانواده معتقد است که مشکل ناشی از ازدواجشان نیست و ادامه می‌دهد: «همه چالش‌های ما خارج از ازدواجمان بوده و ما اخیراً بواسطه یک مشاوره حقوقی نادرست ۲۵۰ میلیون تومان ضرر کرده‌ایم. ما دارای شغل‌های حرفه‌ای بودیم و هنوز هم قادریم تا در شغل‌های قبلی-مان ادامه فعالیت دهیم. ما در حال حاضر شغل خاصی نداریم. ما باید در سن ۵۰ سالگی بدنبال شغل جدیدی باشیم و این در حالی است سابقه بیمه بازشتگی نیز نداریم. هنوز هم بواسطه مشاوره حقوقی نادرست، دعاوی حقوقی زیادی بر علیه ما در محاکم قضائی مطرح است. احتمال کمی وجود دارد که ورشکسته شویم. فرزندان ما شغل‌های خودشان را داشته و بواسطه مشکل مالی پیش آمده برای ما کمک‌هایی نیز نموده‌اند.» وقتی از زوجین خواسته شد تا دوران خوب و بد زندگی خود را توضیح دهند یکی از شوهران (شماره ۱۸) اظهار نمود که نمی‌توان منکر تاثیرگذاری موضوعات مالی هم در زمانهای خوب و هم در زمانهای بد شد. دوران بد می‌تواند بیانگر بالا رفتن احتمال ورشکستگی با توجه به برقراری رابطه تجاری با یک شریک متقلب باشد. او همچنین بیان نمود که موارد زیادی از نگرانی، ناراحتی و سایر احساسات وجود دارد که برطرف شدن آنها مستلزم همکاری متقابل زوجین می‌باشد. او این موارد را «عوامل خارجی» نامید. در مورد دوران خوب نیز او گفت: «بدلیل موارد فوق، در سال

۱۳۸۱ وضعیت مالی ما در شرایط مساعدی قرار نداشت و بدهی مان نیز بالا بود. بواسطه مشغول بکار شدن من در یک شهر دیگر، ما می‌بایست منزل گران قیمتی که در شهر قبلی قرار داشت می‌فروختیم. فروختن این منزل زمان زیادی برد. وضعیت مالی ما شرایط بدی را سپری می‌کرد و این در حالی بود که سن ما بالا می‌رفت. سن من در حدود ۴۵ سال بود و ما نگران دوران بازنشستگی مان بودیم. بواسطه کار سخت و توجه جدی به امر پس انداز و سرمایه گذاری، بعد از ۱۵ سال ما توانستیم علاوه بر پرداخت تمام بدهی هایمان دارای یک مجموعه سرمایه گذاری مناسب در بازار بورس اوراق بهادار نیز شویم. ما حالا می‌توانیم به فکر بازنشستگی و داشتن یک دوران بازنشستگی بدون دردسر باشیم.» همه زوجین چه جوان و چه مسن در ارتباط با چالش های مالی خود مطالبی را بیان نمودند. یکی از زوجین (شماره ۱۱) در مورد فشارهای مالی ناشی از هزینه های تحصیلی فرزندان صحبت نمود. زوج دیگری (شماره ۱۲) در مورد چالش های بزرگتری همچون: بچه دار شدن در اوائل ازدواج، پایین بودن سطح تحصیلات، پایین بودن درآمد، تولد بچه نارس، از دست دادن شغل و تصادف با خودرو مطالبی را بیان نمود. او ادامه داد که آنها هرگز تسلیم مشکلات نشده و با همکاری یکدیگر به زندگی خود ادامه دادند. به واسطه درآمدهای کم و نگرانی در مورد بازنشستگی، برخی از زوجین مسن اخیراً به لحاظ مالی در مضیقه بودند. سایر زوجین مسن نیز گفتند که آنها در اوائل زندگی شان با چالش های مالی مواجه بودند که با همکاری یکدیگر بر آنها فائق آمدند. یکی از شوهران (شماره ۲۱) گفت: «در سال های اولیه زندگی وضعیت مالی ما به اندازه کافی خوب نبود تا بتوانیم به مسافرت برویم. در صورت داشتن مسافرت، اغلب آنها کوتاه و کم هزینه بود. اما در سال های اخیر وضعیت مالی ما به اندازه کافی خوب شده که بتوانیم خواسته هایمان را برآورده نماییم. ما هرگز بواسطه خرید وسایل غیر ضرور برای خودمان بدهی ایجاد نمی‌نمائیم.»

۹- یافته های نگرش زوجین نسبت به مشکلات مالی سایر زوجین: یکی از سئوالات پرسشنامه این بود که آیا زوجین از مشکلات سایر زوج ها شناخت کافی دارند. اگر جواب مثبت است دلایل آنها را در چه چیزی می‌بینند. جواب های داده شده به این سئوال متنوع بود و

شامل مواردی همچون: خودخواهی، عدم وجود تعامل سازنده بین طرفین و عدم تشکر از زحمات یکدیگر می‌شد. به اعتقاد بسیاری از زوجین یکی از دلایل بروز مشکلات در خانواده‌ها مسائل مالی می‌باشد. از دید برخی از زوجین مشکلات مالی نیز همانند سایر مشکلات تلقی شده، اما برخی دیگر از آن به عنوان ریشه اصلی تمام مشکلات خانواده‌ها یاد کردند. یکی از شوهران (شماره ۱۵) گفت: «ریشه اکثر مشکلات خانواده‌یمن ناشی از مسائل مالی می‌باشد. به اعتقاد من تمام زوجین باید درک مناسبی از موضوعات مالی داشته باشند.» یکی از زنان (شماره ۱۵) گفت: «به اعتقاد من ریشه اصلی مشکلات مالی بسیاری از زوجین ناشی از عدم آگاهی حداقل یکی از آنها نسبت به مبانی علمی مدیریت مالی می‌باشد. آخرین سؤال باز پرسشنامه در صدد این بود که بتواند طرز تفکر زوجین نسبت به موثرترین الزامات در تشکیل و تداوم یک ازدواج موفق را جویا شود. از دید اکثر زوجین، مشاوره مالی از جمله عوامل موثر در یک ازدواج موفق و پایدار بحساب می‌آید.» یکی از زنان (شماره ۲) گفت: «به هیچ وجه نباید شما از بابت موارد غیرضروری بدهکار شوید، زیرا بدهی‌های غیرضرور می‌تواند منشاء بسیاری از مشکلات بعدی زناشویی شود. تلاش در جهت حذف و یا کاهش مصارف غیرضروری می‌تواند باعث تقویت بنیه مالی خانواده‌ها گردد. در نهایت، رهایی از (پرداخت بموقع) بدهی‌ها کار فوق‌العاده سختی می‌باشد.»

نتیجه‌گیری

این پژوهش با استفاده از رویکرد «چشم انداز کامل از خانواده» انجام شد. یافته‌های آن با یافته‌های پژوهش شواتز (۱۹۹۴) و والرشتاین و بلاکسلی (۱۹۹۵) مشابه بود. بدین معنی که زوجین موفق و خوشبخت قادر به مدیریت کارآمد مسائل مالی خانواده خود هستند. پژوهش حاضر می‌تواند باعث غنای ادبیات موضوع شود. زیرا در این پژوهش از دیدگاه زوج‌های سنین و قشرهای اجتماعی مختلف نسبت به نقش مدیریت مالی در تشکیل و تداوم یک زندگی موفق و پایدار استفاده شده است. بسیاری از مقالات اشاره شد در این پژوهش از چشم‌انداز ناقص

نسبت به خانواده استفاده نموده‌اند. بدین معنی که آنها فقط بدنبال ریشه‌یابی مشکلات ایجاد شده برای خانواده‌ها هستند. با نگاه به یافته‌های این پژوهش سوالات زیر قابل طرح خواهد بود: آیا مسائل مالی می‌تواند موجب بروز مشکلاتی در روابط زوجین شود؟ آیا زوجین موفق‌تری که دارای ویژگی‌هایی همچون: توانایی برقراری تعامل سازنده با یکدیگر، توانایی جلب اعتماد طرف مقابل و توانایی همکاری در قالب یک تیم هستند، می‌توانند به نحو موثری مسائل زناشویی خود مخصوصاً موضوعات مالی را مدیریت نمایند؟ از آنجائیکه این پژوهش براساس «چشم‌انداز کامل از خانواده» انجام شده سوال زیر می‌تواند بسیار مناسب باشد. طبق ادعای استینت و همکاران (۱۹۸۱) اگر شما در پی کشف مشکل هستید آن را خواهید یافت و اگر در پی یافتن نقاط مثبت باشید آنرا نیز خواهید یافت. برای زوجینی که دارای روابط زناشویی تیره‌ای هستند، تعامل در مورد مسائل مالی و جلب اعتماد یکدیگر کار فوق‌العاده سختی می‌باشد. در صورت تمایل زوجین برای حل و فصل موفقیت‌آمیز مشکلات مالی، سایر مشکلات زناشویی مورد غفلت واقع شده و امید کمی برای حل اینگونه مشکلات وجود خواهد داشت. آموزش صرف مهارت‌های مدیریت مالی به تنهایی نمی‌تواند در تشکیل و تداوم یک زندگی موفق و پایدار موثر باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زوجینی که دارای یک زندگی موفق و پایدار هستند براحتی می‌توانند در ارتباط با نحوه حل مشکلات مالی بوجود آمده تعامل نمایند. برای مثال یکی از شوهران (شماره ۲۰) می‌گوید: «من احساس می‌کنم که شیوه تعامل ما نسبت به اوائل ازدواج مان بسیار بهتر و همچنین دیدگاه مان نسبت به یکدیگر بسیار مثبت شده است. وقتی ما با یک مشکلی مواجه می‌شویم تلاش می‌نمائیم تا از طریق گفتگو به یک درک مشترکی از آن برسیم. ما با یکدیگر در تدوین بودجه و تعیین محل و میزان مخارج خانواده تعامل سازنده‌ای داریم.» یکی از کاربردهای مهم نتایج این پژوهش می‌تواند این نکته باشد که در صورت کمک به زوجین در برقراری روابط زناشویی مستحکم، آنها قادر به حل و فصل موثر مشکلات زناشویی خود منجمله مشکلات مالی خواهند بود. از طریق تعامل بیشتر بین علوم مدیریت مالی و مشاوره خانواده، مشاوران مالی و خانواده می‌توانند

به زوجین در داشتن روابط زناشویی سالم که امکان استفاده از مهارت‌های مدیریت مالی نیز برای آنان فراهم می‌شود، کمک نمایند. در پژوهش‌های قبلی رابطه بین تامین مالی و رضایتمندی و یا عدم رضایتمندی زناشویی مطالعه شد (دوو، ۲۰۰۸؛ اُلسان و اُلسان-سیگ، ۲۰۰۰؛ اسکوگراند و همکاران، ۲۰۰۵). این پژوهش از نوع کیفی بوده و این امکان برای مشارکت کنندگان فراهم نمود تا بتوانند موضوعات مرتبط با زندگی‌شان را با جملات خود بیان نمایند. نتایج پژوهش نشان داد که زوجین از وجود ارتباط بین موضوعات مالی و روابط زناشویی درک مناسبی دارند. از جواب‌های مکتوب مشارکت کنندگان نکات جالبی استخراج شد. برای مثال یکی از شوهران (شماره ۲۴) معتقد بود که بواسطه اهمیت دادن به مدیریت مسائل مالی آنان توانسته‌اند بدون تغییر الگوی زندگی، مخارجشان را در حدود درآمدهایشان تنظیم نمایند. یکی دیگر از شوهران (شماره ۷) در مورد حد بالا و پایین (دوران خوش و سخت) زندگی‌شان که تحت تاثیر وضعیت مالی خوب و بد بود، صحبت نمود.

یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های دیگر همخوانی داشت. بدین معنی که در زندگی زناشویی معمولاً یکی از زوجین عهده‌دار مسئولیت امور مالی خانواده می‌باشد (ماسک و وینتر، ۲۰۰۱). بهر حال، تشخیص الزامات فرایند تصمیم‌گیری و نحوه مدیریت حساب‌های بانکی برای زوجین از اهمیت خاصی برخوردار است (والرشتاین و بلاکسلی، ۱۹۹۵). جنبه جدید این پژوهش در این نکته است که زوجین در مورد واگذاری مسئولیت امور مالی به یکی از خودشان به مواردی همچون: تجربه و تخصص در امور مالی، داشتن وقت آزاد کافی و تمایل به انجام این کار توجه نمودند. در این پژوهش نقش زنان در پذیرش مسئولیت امور مالی خانواده پررنگتر از مردان بود. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای زوجینی که قصد تصمیم‌گیری در مورد واگذاری مسئولیت امور مالی خانواده به یکی از خودشان را دارند، مفید واقع شود.

اکثریت زوج‌ها (شرکت‌کننده در این پژوهش) بر اهمیت نداشتن بدهی و یا پرداخت سریع بدهی‌ها تأکید نمودند. این بدین معنی است که آنها تلاش داشتند تا در حد درآمدهایشان خرج نموده و در بسیاری از موارد نیز صرفه‌جویی داشته باشند. این زوجین که دارای یک

زندگی موفق و پایداراند، به این نکته پی برده‌اند که بدهی می‌تواند باعث کاهش رضایتمندی زناشویی شود (دوو، ۲۰۰۸؛ اُلسان و اُلسان-سیگک، ۲۰۰۰؛ اسکوگراند و همکاران، ۲۰۰۵). داده‌های مستخرج از این پژوهش ضمن ارتقای غنای ادبیات موضوع، بیانگر این نکته است که وجود بدهی و چالش‌های مالی پیشروی زوجین باعث همفکری و همگرایی بیشتر آنان در یافتن راه‌کارهایی جهت رهایی از این نوع مشکلات می‌شود.

هرچند اغلب پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که بین مشکلات مالی و عدم رضایتمندی زناشویی رابطه وجود دارد (هنری و همکاران، ۲۰۰۵؛ استانلی و همکاران، ۲۰۰۲). اما پژوهش حاضر این نکته را به پژوهش‌های قبلی اضافه می‌نماید که هنوز هم زوجینی وجود دارند که در عین داشتن چالش‌های مالی و مجادله‌های مرتبط با موضوعات پولی، می‌توانند زندگی موفق و پایداری داشته باشند. تفاوت اینگونه زوجین با زوج‌های دیگر در نحوه ادراک و برخوردشان با چالش‌ها و معضلات مالی است. برخی از مشارکت‌کنندگان گفتند که آنها تجربه عبور از مشکلات مالی را با همفکری یکدیگر (بعنوان یک زوج موفق) دارا هستند. برخی نیز بیان نمودند که از دید آنان مشکلات خانواده (مخصوصاً مالی) مشکلات مشترک زوجین و برخی دیگر نیز آنها مشکلات خارج از محدوده خانواده محسوب می‌نمودند. برخی از زوجین نیز اظهار نمودند که از دید آنان دلایل بروز مشکلات مالی زوجهای دیگر می‌تواند مواردی همچون: خودخواهی، عدم توانایی برقراری ارتباط سازنده با طرف مقابل و یا عدم تشکر از زحمات یکدیگر باشد. زوجینی نیز وجود داشتند که معتقد بودند که چالش‌های مالی نمی‌تواند باعث جدائی آنان از یکدیگر شود، اما در عین حال آنان باید بتوانند از طریق حفظ روابط زناشویی سالم در طول دوره‌ای که مشکلات مالی وجود دارد، اقدام به حل اینگونه مشکلات نمایند.

از دید این زوجین جلب اعتماد و برقراری تعامل سازنده در زمینه مسائل مالی ضروری است. اعتماد سازی باید در زمینه‌هایی همچون: عدم زیاده‌روی در مخارج، پرداخت بموقع صورتحسابها و مشورت قبل از خریدهای بزرگ صورت پذیرد. یافته‌های فوق با نتایج سایر

پژوهش‌ها در زمینه اعتمادسازی و برقراری تعامل سازنده در مدیریت کارآمد مسائل مالی همخوانی دارد (بورگوین و همکاران، ۲۰۰۵؛ مک‌گنوجا تولی، ۲۰۰۱؛ استانلی و همکاران، ۲۰۰۲). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برای اینکه برخی از زوجین بتوانند از توان لازم جهت اعتمادسازی و برقراری تعامل سازنده برخوردار شوند، ضروری است تا آنان بطور همزمان هم از خدمات مشاوره‌ای و هم خدمات مالی استفاده نمایند. همانگونه که برخی از زوجین مشارکت‌کننده در پژوهش نیز اشاره نمودند اعتمادسازی و برقراری تعامل سازنده ممکن است براحتی در سالهای اولیه زندگی میسر نگردد، اما با گذشت زمان و کسب تجربه احتمال وقوع این موارد نیز افزایش می‌یابد.

در این پژوهش زوجینی که احساس می‌کردند دارای زندگی موفق و پایداری هستند، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. هرچند این نکته دقیقاً در راستای موضوع پژوهش بود، اما به نوبه خود می‌تواند محدودیت اصلی پژوهش حاضر نیز بحساب آید. همچنین پرسشنامه مورد استفاده جهت گردآوری داده‌ها پنج صفحه و دارای ۱۳ سوال باز بود.

این پژوهش در صدد درک نحوه تفکر و مدیریت زوجینی که زندگی موفق و پایدار داشتند، بود. به واسطه استفاده از یک چشم‌انداز کامل از خانواده و روش تحقیق کیفی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند باعث ارتقای غنای ادبیات موضوع خانوادگی و تحکیم خانواده شود. هرچند یافته‌های این پژوهش از ادبیات موجود حمایت می‌کند، اما سوالات و فرصت‌هایی را نیز در زمینه انجام تحقیقات آتی «مخصوصاً رابطه بین سطح تحصیلات و مدیریت مالی خانواده‌ها» ارائه می‌نماید.

طبق یافته‌های پژوهش می‌توان ادعا نمود که گنجاندن آموزش مدیریت مالی به زوجین در آموزش‌های پیش از ازدواج که از سوی مشاورین و روانشناسان خانواده انجام می‌گیرد، می‌تواند گام موثری در استحکام خانواده‌ها به حساب آید. همچنین انجام مصاحبه با زوجینی که دارای تحصیلات کمتر از دیپلم هستند، به نوبه خود می‌تواند نتایج مفیدی را به همراه داشته باشد.

منابع فارسی

رفاهی، زهره. (۱۳۸۷). ارائه مدل جهت ارزیابی خانواده بر مبنای ملاک های همسرگزینی و رابطه این ملاک ها با عملکرد خانواده. رساله دکتری در رشته مشاوره. دانشگاه علوم تحقیقات واحد تهران مرکز.

منابع لاتین

- Bogdan, R. C., & Biklen, S. K. (2003), "Qualitative research for education", Boston: Ellyn and Bacon.
- Bryant, C., Taylor, R., Lincoln, K., Chatters, L., & Jackson, J. (2008), "Marital satisfaction among African Americans and Black Caribbeans: Findings from the National Survey of American Life", *Family Relations*, 57, 239-253.
- Burgoyne, C., Young, B., & Walker, C. (2005), "Deciding to give to charity: A focus group study in the context of the household economy", *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 15, 383-405.
- Conger, R. D., & Conger, K. J. (2002), "Resilience in Midwestern families: Selected findings from the first decade in a prospective, longitudinal study", *Journal of Marriage and Family*, 64, 361-373.
- DeFrain, J., & Asay, S. (Eds.). (2007), "Strong families around the world: The family strengths perspective", New York: Haworth.
- DeFrain, J., & Stinnett, N. (2002), "Family strengths", In J. J. Ponzetti, et al. (Eds.), *International encyclopedia of marriage and family* (Vol. 2). New York: Macmillan Reference Group.
- Dew, J. (2007), "Two sides of the same coin? The differing roles of assets and consumer debt in marriage", *Journal of Family and Economic Issues*, 28, 89-104.
- Dew, J. (2008), "Debt and marital satisfaction change in recently married couples", *Family Relations*, 57, 60-71.
- Dew, J. (2009), "The gendered meaning of assets for divorce", *Journal of Family and Economic Issues*, 30, 20-31.
- Grafova, I. B. (2007), "Your money or your life: Managing health, managing money", *Journal of Family and Economic Issues*, 28, 285-303.
- Gudmunson, C. G., Beutler, I. F., McCoy, J. K., & Hill, E. J. (2007), "Linking financial strain to marital instability: Examining the roles of emotional stress and marital interaction", *Journal of Family and Economic Issues*, 28, 357-376.
- Henry, R. G., Miller, R. B., & Giarrusso, R. (2005), "Difficulties, disagreements, and disappointments in late-life marriages", *International Journal of Aging and Human Development*, 61, 243-264.

- Mc Conocha, D., & Tully, S. (2001), "Household money management: Recognizing nontraditional couples" *Journal of Consumer Affairs*, 27, 258–283.
- Muske, G., & Winter, M. (2001), "An in-depth look at family cash flow management practices", *Journal of Family and Economic Issues*, 22, 353–372.
- Nyman, C. (1999), "Gender equality in 'the most equal country in the world'? Money and marriage in Sweden", *Sociological Review*, 47, 766–793.
- Olson, D., & Olson-Sigg, A. (2000). *Empowering Couples: Building on your Strengths*. Minneapolis, MN: Life Innovations.
- Sanders, C. K., & Porterfield, S. L. (2010), "The ownership society and women: Exploring female householders' ability to accumulate assets", *Journal of Family and Economic* vol. 31 (1), 90-106
- Schwartz, P. (1994), "Peer marriage", New York: Free Press.
- Skogrand, L., Schramm, D. G., Marshall, J., & Lee, T. R. (2005), "The effects of debt on newlyweds and implications for education" *Journal of Extension*, [On-line] 43, Article 3RIB7. Available at: <http://www.joe.org/joe/2005june/rb7.shtml>
- Stanley, S. M., Markman, H. J., & Whitton, S. W. (2002), "Communication, conflict, an commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey", *Family Process*, 41, 659–675.
- Stinnett, N., Sanders, G., & DeFrain, J. (1981), "Strong families: A national study", In N. Stinnett, J. DeFrain, K. King, P. Knaub, & G. Rowe (Eds.), *Family strengths 3: Roots of well-being* (pp. 33–42). Lincoln: University of Nebraska Press.
- Wallerstein, J. S., & Blakeslee, S. (1995), "The good marriage", New York: Warner Books.